

ناملی برزپاشناسی معماری جدید و قدیم

حسین پایین محلی ❖

حدود چند دهه پیش که زلزله در بوئین زهرا خانه های مسکونی را ویران کرد دولت در یک طرح به ساخت منازل برای مردم همت گماشت اما مردم علی‌رغم این که بی کاشانه بودند آن خانه های جدید را قبول نکردند. چرا؟ نوشتار کنونی در صدد است از حیث تئوریک در مقام اجمال به بررسی معماری ایرانی و اسلامی بپردازد و تفاوت آن را با معماری جدید واکاوی کند. دوستان بحث تفصیلی در باب معماری ایرانی اسلامی و هنر ایرانی اسلامی را می توانند در آثار بزرگانی که به تفضیل در این باب پرداخته اند دنبال کنند چرا که کسانی چون محمد مدد پور، دکتر حسن بلخاری در ایران معاصر در باب زیبایی شناسی معماری قدیم آثار متنوع و قابل استنادی را ارائه کردند و در بین شرق شناسان نیز کسانی چون کرین و بورکهارت به جد سخنان قوی در این باب بر زبان راندند.

تردیدی نیست که جهان بینی انسان به انسان در زندگی کردن خط می دهد. در قدیم همگی تمدن ها که در بره های مختلف ظهور کردند و یا گاه با هم بودند نوع زندگی انسان در رابطه پدیدارهای گوناگون و شکل مواجه انسان با چیزها را در زیست جهان انسان تعریف می کردند. چنانچه انسان به طبیعت احترام می گذاشت و خود را در قضا و قدر می دید و در محیط اجتماعی خود را حاصل جامعه قلمداد می کرد این شکل از جهان بینی که انسان مخلوق خداست نه تنها در روابط انسانی و نوع مواجه او با دیگری تعیین کننده بود بلکه در معماری منازل و شهرسازی و ابزار سازی او نیز لحاظ می شد.

از گذشته های دور هر تمدنی نوعی نگاه از خویش به معماری نشان می داد اما همگی تمدن های گذشته خدامحور بوده و نوع معماری نیز چنین بود البته ذکر دو نکته در این جا ضروری است اول اینکه تمدن های سکولار و الحادی نیز در گذشته بودند که بنا به سنت الهی نابود شدند و تنها اسم آنها در قرآن ذکر شده و امروزه کمتر بحثی در باب آنها می شود. دوم این که بحث کردن از معماری ایرانی- اسلامی یا هنری و عینی شاید در بادی امر کمی غریب به نظر رسد اما کافی است به برخی از فیلم هایی که در باب تمدن های قبلی از اقصی نقاط جهان ساخته شده توجه کنیم تا چنین کثرتی که از آن بحث شد را ببینیم

هر چند در این کثرت ها نوعی وحدت نیز مشاهده می شود که در معماری جدید نشانی از آن نیست و اگر گاه ظاهر برای پر کردن و تکمیل معماری جدید لحاظ شده با این مقدمه لازم است در باب معماری قدیم و شاخص های آن بیشتر بگوییم و بحث را به متن ببریم.

شاید از زبان پدربزرگانمان شنیده باشیم که خانه حکم ناموس انسان را دارد و نباید به راحتی آن را خراب کرد یا فروخت و یا اگر قصد فروختن را داشته باشند، بنا بر ضرورت و اجبار- حالتی خاص را از خود نشان می دهند یکی از ویژگی های که در قدیم در باب معماری لحاظ می شد شکل دایره وار بودن آن هست و دومین ویژگی آن که در وسط حیاط حوضچه قرار دارد آب مظهر پاکی و روشنایی و برکت است. سومین ویژگی آن وجود اندرونی و بیرونی بود که غریبه ها یا مهمان ها را در جایی و اهل خانه در جای دیگر قرار داشتند چهارمین ویژگی قرار دادن بادگیر برای فصل گرما بود و گل اندود کردن خانه از بیرون و درون برای حفظ گرما در فصل سرما بود. از ویژگی های دیگری که به آن می شود اشاره کرد زیبایی شناسی است که حتی بر روی دیوار حیاط لحاظ می شد در بعضی مناطق شمالی کشور روی دیوار- که از گل رس و کاه ساخته می شد گل زنبق می کاشتند که هم جلوی تخریب دیوار در اثر بارش باران را می گرفت و هم به زیبایی کمک می کرد. علاوه بر آن می بتوان از نصب نعل اسب روی درب ورودی حیاط برای حفظ اهل منزل از چشم نظر یاد کرد هم چنین ساخت مستراح در بیرون خانه و در حیاط. از دیگر مواردی که در معماری قدیم وجود داشت وجود سردابه بود به نحوی که علاوه بر حفظ غذا جهت مصرف روزانه بسیاری از میوه جات را که در فصول مختلف به بار می نشستند را در آنجا قرار می دادند برای مصرف در فصل دیگر چرا که آدم ها مزاج ها و طبع های گوناگونی داشتند و ... یکی دیگر از ویژگی های معماری قدیم وجود مخفی گاه در حیاط برای در امان بودن از دشمنان خارجی و یا سربازان حکومت بود از جمله موارد دیگری را که می توان در معماری قدیم به آن اشاره کرد راه داشتن خانه ها به هم از طریق درهایی بود که در دیوار تعبیه کردند این شکل از معماری حتی تا زمان رضاخان هم وجود داشت که وقتی او کشف حجاب کرد زن ها از این طریق به خانه همسایه می رفته و به رابطه اجتماعی خود ادامه می دادند. از دیگر ویژگی های معماری قدیم وجود مسجد در بازار بود که گره خوردگی دین و دنیا را در بینش ایرانی اسلامی نشان می

دهد و به زعم یکی از شرق شناسان این تعامل دین و دنیا و اعتقاد در معنویت تنها در جامعه اسلامی به خصوص ایران قابل مشاهده است. خوشبختانه هنوز برخی از موارد که اشاره شده هنوز در برخی از مناطقی که سنتی تر هستند و قابل مشاهده است به عنوان مثال مسجد جامع گرگان در نعلبندان که محل کسب و کار است. این نگاه در معماری نه تنها در خانه شخصی و بازار بلکه در زورخانه ها و حمام ها نیز جلوه گر بوده و چنانچه زورخانه حالت دایره ای است و پائین تر از کسانی که جهت تماشا آمده اند و درب ورودی زورخانه که کوچک است و باید خود در حین ورود خم شود. در حمام های قدیم نیز ۴ نقطه برای ۴ طبع و مزاج متعلق - طبق آبی و بادی و آتشی و خاکی - لحاظ شده بود در این نشا ندهنده این است که معماری قدیم نه تنها به نوع رابطه انسان با خدا، انسان با خویش، انسان با جامعه، انسان با طبیعت و حیوانات می پرداختند بلکه بر فیزیولوژی انسان - بدن شناسی و طبع ها - و تفاوت مزاج ها هم توجه کرده بودند و از حیث بهداشتی هم اشاره شد که چگونه مستراح در بیرون خانه تعبیه شده بود. در معماری قدیم هر چیز جای مشخصی داشت چنانکه برای نماز خواندن جای خاصی وجود داشت و جای حیوانات هم معلوم بود. معماری قدیم سرشار از مهندسی نسان و جهان او که به او آرامش می داد و طیب خاطر!

معماری قدیم به انسان سکینه می داد چنان که بسیاری از خانه ها به تقلید از مساجد گنبدی ساخته می شود و این شکل از معماری آدم را در هستی قرار می داد و یک سیر به سوی اویی ایجاد می شود. در معماری قدیم همه چیز مخلوق خدا شناخته می شود و از این جهت در کاشت درختان در حیاط نیز جهان بینی لحاظ می شود چنانکه در اندیشه ایرانی انار درخت مقدس قلمداد می گشته که نه تنها در حیاط ها بلکه در نقش قالی ها نیز می توان نشانی از آن را یافت. در معماری قدیم خانه نه تنها برای آسایش و آرامش ساخته شده بود بلکه جایی بود که وجود آدمی - مراد هستی هستند، انسان و بدن او - در آن قرار داشت و قابل مشاهده و دسترسی توسط غیر نبود. معماری قدیم چنان به قضا و قدر و باورها گره خورده بود که حتی ساخت بناها و یا زمان رفتن در خانه جهت زندگی مبتنی بر ساعت دیدن بود. معماری قدیم بین خانه ها در یک شهر تفاوت چندانی در ظاهر نداشت و به زیبایی معنوی آن پرداخته شده بود و شاید بی جهت نبود که آدمی از زندگی در آن ملول نمی شد! اما با ورود بشر تمدن غربی تنوع های محلی جای خودش را به یکسان

سازی معماری مبنی بر مدرنیته داده و آن زیبایی معنوی گم شده و زیبایی ظاهری معماری قدیم هم یا در برابر معماری پرزرق و برق رنگ باخته یا جزوی از آن می شود چنانکه امروز برخی هتل های بزرگ را به سیاق کاخ های قدیم می سازند اما روح انسان با میل گذشته در آن پیدا نمی شود. معماری امروز هیچ گونه شباهتی به معماری قدیم ندارد چرا که ماهیت آن انسان مدارانه یا اومانستی است. معماری امروز بالا می روند آسمان را می شکافد و بر زمین تصرف پیدا می کند. گاه ساخت یک مکان چنان ارزش اقتصادی پیدا می کند که هر ارزشی در زیر چرخ آن پیشرفت یا کسب اقتصادی می شود. خانه های امروز دیگر نه لانه و کاشانه بلکه خوابگاه انسان تبدیل شده است که آدمی تنها ساعاتی را برای استراحت در آن می گذراند. معماری امروز مصرفی است و تنها به سود خلاصه می شود. دلزدگی در چنین خانه ای یکی از عوامل اصلی محسوب می شود که مدام به خرید و فروش خانه منجر می گردد چرا که به قبول قدیمی ها خانه روح ندارد و با آدم صحبت نمی کند. البته بشر مدرن بی وطن و بی مأوا شده و نیست انگاری در وجود او سکنی گزیده. زیبایی شناسی معماری مدرن چیزی نیست جز زرق و برق کاذب از حاصل حاصل از نور افشانی در شب و رنگ های مصنوعی کاذب که خود پس از مدتی ملال آور می شود. تفاوت معماری جدید و قدیم مرا یاد داستانی از مثنوی معنوی می اندازد که برای زیبایی خانه در مقابل پادشاه چینیان و رومیان به رقابت پرداختند. گروهی از انواع رنگها استفاده کردند و گروهی دیگر به جای آرایش ظاهر به پیرایش پرداختند چرا که چنین رنگ و لعاب هایی موقتی هستند و بشر فطرت طلب هست و این فضا سازی های قلابی روح بشر را سیراب نمی کند بلکه حریص تر می کند و حکم آن اعرابی را دارند که کوزه پر آب به دجله می برد. زیبایی معنوی برخواسته از فطرت ریشه در امر قدسی دارد در حالی که هر چه غیر اوست محکوم به زوال است! نتیجه داستان مولانا چنین به پایان می رسد که پادشاه از زیبایی گروه اول که در آن به جد کوشیدند مسرور می شود اما در مقابل گروه دوم که راه فطرت را رفتند بیهوش می شود و غرق در زیبایی حقیقی می شود چنان که ابراهیم ادهم کاخ پادشاهی را رها کرد و بر خانقاه رفت و این که معماری جدید به هیچ وجه نه می تواند می خواهد به انتظار بشر - مبنی بر رابطه وجودی که باید بین انسان و محیط زندگی برقرار باشد - پاسخگو باشد.